

# موزه هنرهای تزیینی

با خواندن این مقاله خواهید دانست که هنر مطلق و هنر تزیینی چه فرقی دارد، پدران ما در هنر تزیینی چه دست توانائی داشته‌اند و چگونه هنر غرب و هنر اسلامی را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

محمدحسن سمسار

موزه‌دار موزه هنرهای تزیینی

یک رشته از فعالیت هنرهای تزیینی است که امروزه با توجه به سبب اهمیت آن در موزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این رشته از هنرهای تزیینی است که در گذشته در موزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است. این رشته از هنرهای تزیینی است که در گذشته در موزه‌ها مورد توجه قرار گرفته است.

آغاز میکنیم. اما لازم است راجع به هنرهای تزیینی و سوابق آن قبلاً توضیح مختصری داده شود. بشر از همان زمان که دریافت برای زنده ماندن محتاج به لوازم زندگی است کم و بیش با هنر آشنا شد. اما بین هنری که در آن زمان بزندگی بشر وارد شد، با آنچه امروز هنر نامیده میشود تفاوت فراوان است. امروزه بین هنر مطلق و هنر تزیینی از نظر معنی تفاوتی بوجود آمده است.

هنرهای مطلق به پدیده‌های هنری اطلاق میشود که تنها بمنظور ایجاد زیبایی خلق میشود نه استفاده مادی. منظور هنرمند، رفع احتیاج مادی روزانه مردم نیست، بلکه انگیزه اصلی عشق بزبیبی و ارضای حس زیباپسندی و لذت روحی است. درحالیکه منظور از هنر تزیینی ساختن اشیایی است که علاوه بر آنکه زیباست در مصارف مادی روزانه نیز مورد استفاده قرار میگیرد. بطورمثال باید گفت که امروز ساختن يك مجسمه زیبا، تنها برای گذاشتن در گوشه تالار يك موزه و یا سالن يك خانه و لذت بردن از زیبایی آن و مهارت هنرمند است. اما هنگامیکه صندلی منبتی ساخته میشود علاوه بر اینکه زیبایی آن مورد نظر است بمصرف نشستن هم میرسد. واضح است که منظور سازنده در مورد اول ایجاد يك اثر هنری مطلق، یعنی ساختن يك مجسمه زیبا است، اما در مورد دوم سازنده میخواهد

اهمیت موزه‌ها چه از نظر آموزش و چه از نظر حفظ مفاخر ملی برهیچکس پوشیده نیست. شاید اصولاً لازم نباشد در مورد اهمیت موزه‌ها سخن گفت، اما از آنجائیکه شاید باشند بعضی از هموطنان عزیز ما که تصور کنند موزه‌ها چیزی شبیه بمغازه‌های عتیقه فروشی اما بزرگتر و مجهزترند، ما کوشش خواهیم کرد که برای بهتر شناساندن اهمیت و ارزش آنها چه از نظر امر آموزش و چه از سایر جهات بمعرفی بیشتر آنها پردازیم؛ بنحوی که آن دسته از کسانی که تاکنون کمتر با اهمیت موزه‌ها توجه داشته‌اند بیشتر متوجه ارزش معنوی آنها گردند. باید دانست که موزه‌ها گذشته از جنبه آموزشی، نشان‌دهنده گذشته‌های ماست، گذشته‌های توأم با عظمت و سر بلندی و افتخار. موزه‌ها معرف تلاش و کوشش دستها، مغزها و چشمهای زیباپسند پدران هنرمند ماست.

موزه‌ها گویای پستی و بلندی جاده پرفراز و نشیب تاریخ ماست، که فرزندان امروز باید از آنها عبرت گیرند و با آنها بیالند. بنابراین شایسته است که شما خواننده عزیز متوجه باشید و بفرزندان خود یاد آور شوید که بانظری دقیق و کنجکاوی بیشتر موزه‌ها را ببینند و يك يك اشیاء را که هر يك سرگذشتی در تاریخ وطن ما دارد از نظر بگذرانند.

ابتدا بمعرفی موزه هنرهای تزیینی که در شماره سوم این مجله، کلیاتی راجع بآن بنظر خوانندگان عزیز رسید

صندلی بسازد و هنر مثبت کاری را برای زیبا ساختن صندلی بکار میرسد. بنابراین هنرهای تزئینی همانطور که از اسم آن پیدا است بهنرهایی اطلاق میشود که برای زینت دادن و زیبا ساختن لوازم و ابزار مورد نیاز زندگی ما بکار برده میشود. با این توضیح مختصر در مورد اختلاف هنر مطلق و هنر تزئینی بنظر میرسد که اختلاف بین این دو تا حدی روشن شده باشد. اما اینکه از چه زمانی کوشیده اند که بین این دو هنر مرزی ایجاد کنند که حدود هر دو را روشن کند بخوبی معلوم نیست. بنظر میرسد که از قرن ۱۹ در اروپا برای این کار کوشش بعمل آمده است و هنرشناسان، این دورشته هنر را در دو طبقه مجزا قرار داده اند و قبل از این دوره هرگز بین هنر مطلق و هنر تزئینی تفاوتی وجود نداشته است.

هنرهایی که امروزه هنرهای تزئینی محسوب میشوند بسیار زیادند. مهمترین آنها عبارتند از حجاری، گچ بری، نقاشی روی دیوار، آیینه کاری در کار ساختمان و بنا، مثبت کاری و خانم سازی، نقاشی رنگ و روغنی روی چوب، طلا و نقره کوبی، کنده کاری، قلم زنی و ملیله کاری روی فلزات، تحریر، نقاشی و تذهیب روی کاغذ، انواع کارهای روی چرم، منسوجات، فرش بافی و دیگر هنرهایی که بهر نحو برای تزئین بکار روند و ذکر يك يك آنها سبب طول کلام خواهد شد (نباید فراموش کرد که منظور ما در این جا از هنر تزئینی هنری است که برای تزئین اشیاء در متن بنا یا شیئی بکار میرود نه تزئینات داخلی بناها مانند مبله کردن یا تزئین ویتروین و غیره) قدیمترین مصنوعات بشری که در کشفیات باستانشناسی بدست آمده است دارای نشانه‌هایی از ذوق هنری انسانهای ماقبل تاریخ است. بطور مثال انسان اوایل دوران چهارم زمین شناسی (که پایان آنرا باید هشت تا ده هزار سال قبل از میلاد دانست) بردش و قلاب ماهیگیری و سایر ابزار کار خود که از شاخ گوزن میساخته است نقوشی حک کرده است و از همین زمان است که رنگها را شناخته (شاید خالکوبی از همین زمان آغاز شده) و بوسیله آنها بر دیوار غار خود نقوشی حک کرده است. سپس عصر سنگ آغاز میگردد، و بشر میکوشد که ابزار مورد نیاز خود را از سنگ بسازد. لوازم ساخته شده با سنگ پس از مدتی بصورت ابزار صیقلی شده درمی آید، چه این ابزار هم مؤثرتر و هم زیباتر بود.

هزاران سال گذشت تا بشر به کشف فلزات موفق شد. کشف فلزات بخصوص برنز دست بشر را در ساختن ابزار و آلاتی که جنبه هنری داشت باز کرد و بشر اولیه با تزئینات آشنا گردید. وجود فلزات و سهولت کار ساختمان ابزار، حس تجمل و تفنن را در انسانهای اولیه قدرت بخشید و تزئین لوازم زندگی آغاز گردید. از این زمان است که مصنوعات دست بشر جنبه هنری پیدا میکند.

باید توجه داشت نقوشی که انسانهای دوران چهارم بر قطعات استخوان یا دیوار غارها میکشیدند (احتمالاً خالکوبی بدن) در آن روزگار جنبه تزئین نداشت این نقوش بنظر آنها یکنوع جادوگری بود.

بشر دوران چهارم که بسبب تحولات جغوی، گرفتار کمبود شکار گردیده بود، با کشیدن نقش گوزن یا فیل و یا گاو وحشی بر دیوار غار میکوشید که این حیوانات را بطرف خود جلب کند.

اما در دوران کشف فلزات بخصوص عصر مفرغ بشر تنها بخاطر ارضای حس زیبایسندی همانگونه که برای خود لوازم زینتی مانند گردن بند و گوشواره و دستبند و غیره میساخت لوازم خود را نیز تزئین میکرد. میتوان گفت که هنرهای تزئینی از این زمان آغاز گردید. اما نباید از نظر دور داشت که بشر همانگونه که در امور مادی پیشرفت میکرد بمعنویات نیز توجه داشت و در فکر درک راز آفرینش نیز بود. عقاید مذهبی و اعتقاد بخدایان و کوشش برای جلب رضایت آنان سبب ایجاد نقوش مذهبی گردید. باین ترتیب باید گفت که هنر تزئینی و مذهبی در این ادوار باهم مخلوطند. این همان عاملی است که دنباله آن در تمدنهای قدیم جهان از قبیل تمدن مصر و یونان بخوبی بچشم میخورد.

در تمدن مصر آنچه از هنر تزئینی و مذهبی باهم ترکیب شد، که جدا ساختن آنها غیر ممکن بنظر میرسد. دیوار کلیه مقابر، اهرام و معابد سراسر پوشیده از نقوش سمبلیک مذهبی است. بدنه کلیه تابوت‌های تودرتوی مصری با اشکال مذهبی تزئین گردیده است.

اعتقاد مصریان بزندگی پس از مرگ سبب گردیده بود که همراه با مردگان کلیه لوازم مورد نیاز زندگی را در مقابر بگذارند و برای صیانت جسد و جلوگیری از تلاشی آن بمومیایی کردن اجساد بپردازند تا چون روح پس از مراجعت از عالم ارواح قصد بازگشت بجسد خود را داشته باشد سرگردان نشود. همین عقیده سبب ترقی مجسمه سازی گردید چون همانطور که گفته شد مصریان اعتقاد داشتند که روح اموات دوباره با جسد آنها باز میگردد در نتیجه مصریان میکوشیدند که علاوه بر حفظ جسد مجسمه‌ای نیز از مردگان بسازند که مأمور روح در صورت از بین رفتن جسد باشد.

تصاویر نقش شده بر دیوار مقابر نیز اگر چه بظاهر جنبه تزئینی دارد ولی در حقیقت نقوشی است مذهبی؛ اما با هم پیوستگی هنر تزئینی با مذهب، باز در بعضی موارد هنر تزئینی استقلال خود را بخوبی حفظ کرده است. از آن جمله است آثار دوره امپراطوری جدید (۱۵۸۰ - ۱۰۹۰ ق. م.) بخصوص آثار بدست آمده از مقبره توتانخامون (از پادشاهان سلسله قرن هجدهم که در حدود نیمه قرن اول ۱۴ ق. م. در مصر سلطنت



(شکل ۱) پلاک برنزی مخصوص دهنه اسب - لرستان هزاره دوم ق. م.

ایران انجام نگرفته، اما همین حفاریات سطحی نیز بخوبی نشان میدهد که تمدن پیشرفته‌ای قبل از تأسیس سلسله ماد و هخامنشی در ایران وجود داشته که در آن هنرهای تزیینی توجه کامل میشده است.

با آغاز سلطنت مادها و بعد تشکیل امپراطوری هخامنشی ایجاد بناهای عظیم آغاز گردید.

متأسفانه آثار بناهای مادی باقی نمانده، اما باقیمانده کاخهای بزرگ هخامنشی و نقوش برجسته‌ای که در آن کاخها بکار رفته هنر این عصر را بخوبی مشخص میسازد.

کاخهای بزرگ هخامنشی در پاسارگاد، تخت جمشید و شوش علاوه بر اینکه شاهکار معماری هستند از نظر هنرهای تزیینی اهمیت فوق‌العاده دارند.

حجاری این کاخها در کمال دقت و ظرافت انجام گرفته و کلیه جزئیات بر روی سنگ حجاری شده است. برای نمونه باید از نقش داریوش بزرگ و خشایارشا بر دیوار بنای خزانه‌ی داریوش در تخت جمشید نامبرد. (شکل ۲)

این نقش، داریوش را در حالیکه بر تخت نشسته و گل نیلوفر در دست و دو یخوردان در جلو او قرار دارد نشان می‌دهد. در مقابل داریوش مردی با لباس مادی ایستاده و دست خود را

میکرده است) در این مقبره که آنرا باید تنها مقبره دست‌نخورده فراغه مصر تا قبل از کشف و حفاری دانست لوازم زیادی بدست آمد. از جمله آثار بسیار نفیس مقبره توتانخامون، تخت سلطنتی اوست که از نظر هنر تزیینی بسیار قابل توجه است.

بطور خلاصه باید گفت در مصر کهن، هنرهای حجاری، سفالگری، نقاشی، منبت‌کاری و زرگری که همه دارای جنبه تزیینی است رواج داشته است.

بموازات تمدن مصر تمدنهای عظیم دیگری مانند تمدن سومری، اکادی، آشوری و ایلامی در بین‌النهرین بوجود آمد. بررسی هر کدام از این تمدنها نشان میدهد که هنرهای تزیینی در صنایع این کشورها نقش عمده‌ای بازی می‌کرده است.

سومریها در تهیه ظروف فلزی و کنده‌کاری روی آنها و تزیین اشیاء با طلا و سنگهای لاجورد و صدف و سنگهای مختلف دیگر مهارت کافی داشته‌اند.

آشور بداشتن حجاری بسیار پیشرفته و زیبا که در عصر خود بی‌نظیر بوده است و استفاده از آجرهای لعابدار و لوحه‌های مفرغی برای تزیین کاخها مشهور است. یا در تمدن یونان باستان آنچه که بیشتر جلب توجه میکند حجاری و مجسمه‌سازی است که هر دو را یونانیان برای تزیین معابد خود بکار میبردند و این دو هنر بسبب اعتقاد یونانیان بخدایان بخدایت مذهب درآمدند و بهمین علت پیشرفت فوق‌العاده‌ای کردند. فریزهای زیبای معبد پارتون و مجسمه‌های خدایان، نماینده قدرت هنرمندان یونانی است.

پس از این اشاره مختصر به هنرهای تزیینی در تمدنهای گذشته جهان بررسی سوابق هنرهای تزیینی در کشور عزیز خودمان میپردازیم:

در ایران همیشه مردم دارای ذوق هنری و زیباپسندی خاص بوده‌اند. در حفاریات شوش، تپه‌گیان، سیلک و دیگر تپه‌های ماقبل تاریخی ایران، آثار سفالی بسیار بدست آمده که همگی دارای نقوش تزیینی زیباست (البته نباید نقوش مذهبی روی این سفالها را ندیده گرفت). مفرغهای لرستان که قدمت آنها به سه هزار سال قبل از میلاد میرسد نیز دارای جنبه تزیینی قابل توجه زیاد است.

دهنه‌های اسب، ابزارهای مربوط بتزیین زین و برگ اسب و ارابه که اغلب بشکل بزکوهی، گاوانر، شیر بالدار و غیره ساخته شده توجه ایرانیان را بتزیین اشیاء و لوازم زندگی نشان میدهد. (شکل ۱)

(در اینجا نیز بعضی از اشیاء و نقوش آن جنبه مذهبی دارند). کشفیات جدید رودبار نیز شامل لوازم تزیینی بسیاری بود که نماینده هنرهای تزیینی ایسران، پیش از تأسیس امپراطوری هخامنشی است.

اگرچه هنوز حفاریات کاملی در مراکز ماقبل تاریخی



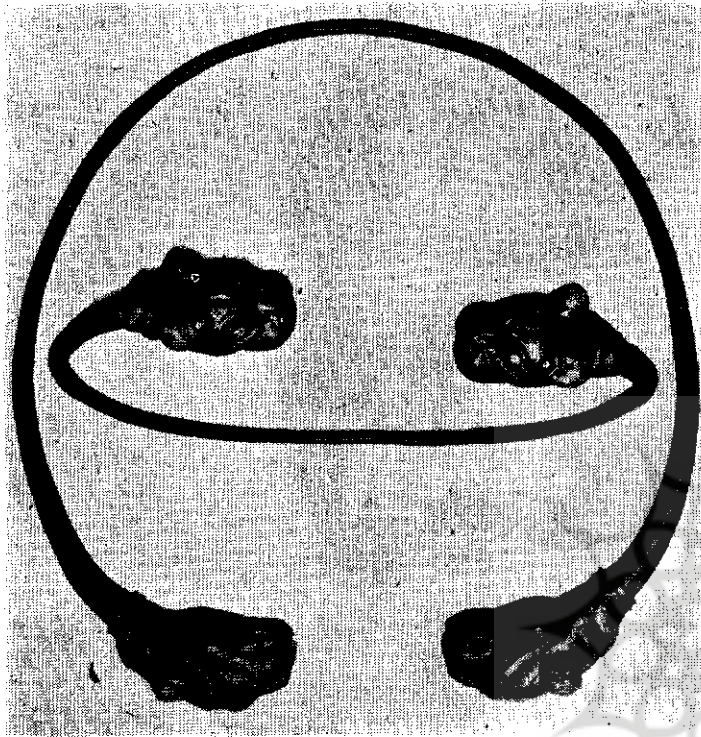
بالا : (شکل ۴) نقش برجسته داریوش بزرگ ، نفر سوم پشت سر شاه اسلحه‌دار مخصوص اوست

پائین : (شکل ۳) نقش خنجر اسلحه‌دار مخصوص داریوش



جلو دهان گرفته است . پشت سر داریوش ، خشایارشا ولیعهد او ایستاده و در پشت خشایارشا بترتیب يك سردار پارسی و اسلحه‌دار مخصوص شاه و بالاخره دوسر بازگارد شاهی ایستاده‌اند. قسمت جالب حجاری ، نقش خنجری است که بکمر اسلحه‌دار مخصوص شاه بسته شده است غلاف این خنجر بهترین معرف هنرترین در ایران عهد هخامنشی است . (شکل ۳)

این خنجر با کمال دقت و ظرافت حجاری شده و در میان حجاریهای کاخ تخت جمشید ، شاید از نظر زیبایی بی‌مانند باشد. روی غلاف این خنجر در قسمت بالا دومیغ حک شده و در طول غلاف نه بزکوهی در حالیکه سرهای خود را بر گردانده‌اند حجاری گردیده است و بالاخره انتهای جلد خنجر بصورت سرقوچ ساخته شده است . این نقش از دو نظر قابل اهمیت است اول از نظر ظرافت حجاری که قدرت و پیشرفت حجاری را که خود از هنرهای تزیینی است در عهد هخامنشی نشان می‌دهد . دوم اینکه بدون تردید حجار این جلد خنجر آن را از روی يك جلد خنجر حقیقی ساخته نه تخیلی ، و این خود دلیل دیگری است بر اینکه در این دوره بهترین اشیایی مانند خنجر و جلد آن و با هر نوع اسلحه دیگری توجه داشته‌اند . علاوه بر حجاری از کاشی مینایی نیز در تزیین کاشها استفاده شده است که نمونه آنها نقش سربازان جاوید در شوش



(شکل ۵) طوق طلای هخامنشی



(شکل ۴) دسته جام طلای هخامنشی

زیباترین آثار پارتی را در کوه خواجه سیستان میتوان دید. در این بنا هنرترین پارتی بخوبی جلوه گر است. پیکره کوچکی از سنگ سبز رنگ که از این دوره بدست آمده که احتمالاً بلاش سوم را نشان می‌دهد با نهایت دقت و ظرافت ساخته شده است و از شاهکارهای عصر پارتی است. لعاب دادن سفال در این دوره معمول بوده و بخصوص سرپوش تابوتهای سفالی با نقوش گل و برگ و گاه با تصاویر انسانی تزیین شده است. پایه هنر ترقی یافته ساسانی را باید هنر اشکانی دانست، در دوره ساسانی هنرترین پیشرفت زیادی کرد. از هنرهای تزیینی جدیدی که از این زمان در ایران معمول گردید هنر مصور ساختن کتابهاست. شالوده این هنر بوسیله مانویان در ایران گذاشته شد و پس از آن حتی با قتل مانی و تعقیب پیروان او از طرف روحانیون زرتشتی متوقف نگردید.

است. ستونهای بلند و سرستونهای عظیم هخامنشی نیز کاملاً جنبه تزیینی داشته‌اند. فلزکاری در دوره هخامنشی بدرجه کمال رسیده بود. اشیاء سیمین و زرین دوره هخامنشی شامل جامها، دستبندها و بازوبندها و سایر زینت آلات هر یک بخوبی پیشرفت هنر تزیینی را در این عصر نشان می‌دهد. این قبیل اشیاء اغلب با اشکال شیر و بز کوهی و پرندگان خیالی تزیین یافته است. (شکل‌های ۴ و ۵) از دوره اشکانیان متأسفانه آثار زیادی در دست نیست و اطلاع ما از این دوره کم است. اما همان آثار کم و باقیمانده نشان می‌دهد که نقاشی روی دیوار معمول بوده و نقوش آن شامل گل و برگ و رامشگران نقش شاه و ملکه و دیگر نقوش بوده است. هنر حجاری در این دوره جلال و شکوه هنر هخامنشی را ندارد. حجاری‌های بیستون و تنگ سر و ک و نقوش برجسته دیگر دوران پارتی همگی از روبرو ساخته شده‌اند.



(شکل ۶) بشقاب نقره ساسانی (شکار خسرو اول)

اسلامی نیز از رونق نیفتاد نقش بهرام و آزاده است که داستان شیرین آنرا همه میدانند. جالب است که گفته شود تأثیر هنر تزیینی ساسانی را در معماری اروپا بخوبی میتوان مشاهده کرد بطور مثال گچ‌بری‌های ساسانی بدون آنکه رموز آن از طرف هنرمندان غربی درک شود در کلیساهای قدیمی اروپا تقلید شده است.

بعلاوه جای هیچگونه بحث نیست، تمدنی که بعدها بتمدن اسلامی معروف گردید بر پایه همین تمدن و هنر ساسانی قرار داشت.

هنرهای تزیینی در دوره اسلامی گرفتار تحولات جدید شد. ساختن مجسمه و کشیدن نقوش انسانی منع گردید و در نتیجه هنرهای حجاری و مجسمه‌سازی و نقاشی رو با انحطاط رفت

نقاشی دیواری و تزیینات موزاییک و بخصوص گچ‌بری بسیار ماهرانه وجود داشت.

حجاری و مجسمه‌سازی نیز در این زمان رونق عهد هخامنشی را بازیافته بود. تزیین ظرف در این دوره در نهایت زیبایی انجام گرفته و بشقابها و جامها و سایر ظروف سیمین‌وزرین ساسانی در نهایت زیبایی حکاکی و برجسته‌سازی شده است، این نقوش تزیینی بیشتر شامل صحنه‌های شکار، زامشگران، کنیزکان، حیوانات یا تصویر شاه را بر تخت نشان می‌دهد. (شکل ۶) نقوش این اشیاء بکلی تزیینی است و بهیچوجه نزدیکی به طبیعت در آنها رعایت نشده است. حیوانات در نهایت دقت و مهارت ساخته شده‌اند.

از نقوشی که در این دوره رایج شده و حتی در دوره

بطوریکه میتوان گفت مجسمه‌سازی بکلی فراموش گردید. اما بعد دوباره توانست مقام خود را در بین هنرهای تزیینی باز یابد. منع کشیدن تصاویر انسانی، هنرمندان را بیشتر متوجه کشیدن گل و بوته و بعد تذهیب کرد، و کتابها با تذهیب و تشعیر و نقوش گیاهی مزین شدند. در بناها گچ‌بری و مقرنس‌کاری و ایجاد تزیینات با آجر و بعد کاشیهای لعابدار معرق معمول گردید. نقاشی روی گچ منحصرأ در قصرها یا منازل بکار رفت، برای تزیین دیوار مساجد از کاشی استفاده گردید که اغلب نقوش اسلیمی داشت یا بر آنها آیاتی از قرآن نقش شده بود. سفالگری و ساختن ظروف لعابدار تا حد حیرت‌آوری ترقی کرد. تهیه اشیاء و درهای منبت و مشبک و خاتم رواج کامل یافت. بطور کلی باید گفت که دوره اسلامی دوره اعتلا و ترقی روزافزون هنرهای تزیینی است. چون در این دوره بسبب از میان رفتن اختلافات طبقاتی و استفاده همگانی مردم از اشیاء و لوازم تجملی و ظرف، کار تزیین لوازم مورد نیاز در حقیقت جزء صنایع گردید. بدین معنی که مثلاً دیگر جامی بدون نقش ساخته نمیشد، اگر هم تفاوتی بین جام یک خانواده ثروتمند و یک خانواده فقیر بود این تفاوت در نوع فلز یا عالی‌تر و پست‌تر بودن نقوش و تزیینات بود، والا هر دو منقوش و احیاناً مرصع بود. با این تفاوت که اولی مثلاً بادانه‌های یاقوت یا فیروزه و دومی باشیشه.

در این دوره گسترش دامنه هنرهای تزیینی در ایران بحدی رسید که هیچ عامل مادی در زندگی ایرانیان، عاری از هنرهای تزیینی نبود.

بطور مثال بنایی که بدست یک ایرانی تا دیروز ساخته میشد با عوامل تزیینی بسیار توأم میگردد در مرحله اول این تزیینات شامل نقاشی روی گچ، آئینه‌کاری، درهای مشبک و منبت و خاتم، کاشی‌های مصور و منقش، گچ‌بری‌های دلپسند شامل گل و بوته و صورتهای برجسته و غیره بود. در مرحله دوم چراغهای زیبا، فانوسهای خیال‌انگیز، شمعدانهای خوش‌ترکیب، فرشهای پر گل و شکوفه، پرده‌های زری مخمل و قلابدوزی شده، تابلوهای نقاشی و صدها عامل دیگر، این بنا را تزیین میکرد. علاوه بر آنچه گفته شد خود لوازم منزل نیز پوشیده از تزیینات بود. گلدانهای بلور، چینی، نقره، و یا فولاد، طلا یا نقره کوب زینت‌بخش طاقچه‌هایی بود که خود با طاقچه‌پوش تافته یا مخمل گلابتون‌دوزی پوشانیده می‌شد. پرده و سفره، اغلب از قلمکارهایی که بر آنها داستانهای دلکش خسرو و شیرین یا لیلی و مجنون و سایر داستانهای لطیف ایرانی نقش شده بود انتخاب میگردد.

فرشهای خوش‌بافت و خوش‌طرح همیشه کف اطاقها را می‌پوشانید و بالاخره باید گفت که چشم قادر نبود یک شیئی ساده و بی‌پیرایه را در خانه ایرانی پیدا کند. این بود گوشه‌ای از

زندگی مردم شهر نشین.

اما تصور نشود که زندگی روستائیان، جز این بود. در زندگی آنها چنانکه امروز هم مشاهده میشود هنرهای تزیینی سهمی بسزا داشته. گلیم و جاجیم و خورجین یک روستایی پوشیده از نقوش تزیینی زیباست. سبدهای که یک زن با آن میوه جمع میکند جوراب و دستکش و کلاهی که یک زن روستایی میبافد همه تزییناتی مخصوص بخود دارد.

کار تهیه اشیاء و لوازم زیبا هیچ ارتباطی به فقیر و غنی نداشته و ندارد. نباید تصور کرد فقط یک فرد متمکن میکوشد که یک لوازم زندگی زیبا و تزیین شده داشته باشد. حتی فروشندگان دوره گرد هم حیوانات بارکش خود را بنحوی تزیین میکنند. حیرت‌انگیزتر از آن اینکه اگر توجه کرده باشید سطح خارجی کوله‌پشتی اغلب باربرها از قالیچه پوشانده شده‌است و شاید حتی این وسیله کار فقیرترین افراد ایرانی نیز خالی از تزیین نمانده باشد. آیا این کافی نیست که نشان دهنده ذوق سلیم و زیباپسند ایرانی حتی در فقیرترین طبقات مردم این مرزوبوم باشد.

بنظر نگارنده، دیگر لازم نیست درباره دامنه وسیع هنرهای تزیینی در ایران بحث شود و باید گفت «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».

از آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که در ایران همیشه هنر جنبه تزیینی داشته‌است و ایرانیان همیشه توجه خاصی به هنرهای تزیینی داشته‌اند. بسبب همین ریشه‌های عمیق هنرهای تزیینی در زندگی ایرانیان است که هنرهای زیبای کشور اقدام بتأسیس موزه‌های بنام موزه هنرهای تزیینی کرد.

امید است که با توسعه روزافزون این موزه و موزه‌های مشابه، بتوان به هنرهای تزیینی ایران نیروی تازه‌ای بخشید چون متأسفانه بسبب شرایط خاص زندگی در عصر ما و تقلیدهای بیجای بعضی از هموطنان ما از تزیینات مدرن، از توجه مردم به هنرهای تزیینی ایران کاسته شده‌است. کوشش هنرهای زیبای کشور در ایجاد این موزه همواره بر این اصل استوار بوده‌است که این میراث‌گرانها را که از نسلهای گذشته بما رسیده‌است پاسداری کند تا از گردن حوادث مصون ماند.

پس از این مقدمه درباره سابقه هنرهای تزیینی در ایران و سایر کشورهای جهان، بمعرفی اشیاء موجود در موزه هنرهای تزیینی میپردازیم. در این معرفی نیز در هر بار سابقه‌ای از اشیاء در نظر گرفته میشود که مورد مصرف خاص دارد. بدین معنی که برای اولین بار اشیایی که مخصوص آرایش خانها بوده‌است از قبیل انواع جعبه‌های آرایش، آئینه‌های گوناگون، سرمه‌دانها، قاب‌شانه‌ها و سایر اشیاء معرفی میشوند.

دسته اول از این طبقه را باید جعبه‌های آرایش دانست. جعبه‌های آرایش خود دارای انواع مختلف از نظر

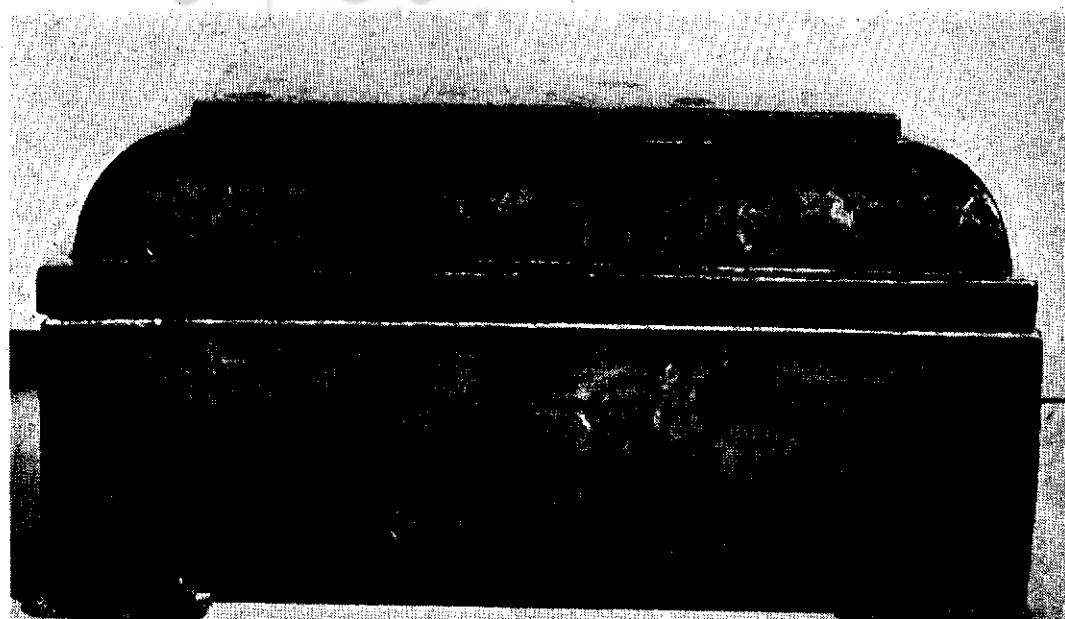
(شکل ۷) جعبه آرایش مصور  
رنگ و روغنی - سده ۱۳  
هجری قمری



رتال جامع علوم انسانی

بالا : (شکل ۸) روی در جعبه  
آرایش ، تصویر فتحعلیشاه با  
شاهزادگان و امرا

پائین : (شکل ۹) بدنه جعبه  
آرایش، داستان خسرو و شیرین -  
آب تنی شیرین در چشمه





کشیده شد (شکل ۸) در چهار طرف بدنه جعبه ، تصاویری از داستان خسرو و شیرین (آب تنی شیرین در چشمه) نقاشی شده (شکل ۹) . در اطراف جعبه ، تصاویر شکار شیر نقش گردیده است . (شکل ۱۰) .

این جعبه از کارهای بسیار خوب نقاش مشهور نیمه اول قرن ۱۳ هجری میرزا آقا شیرازی است .

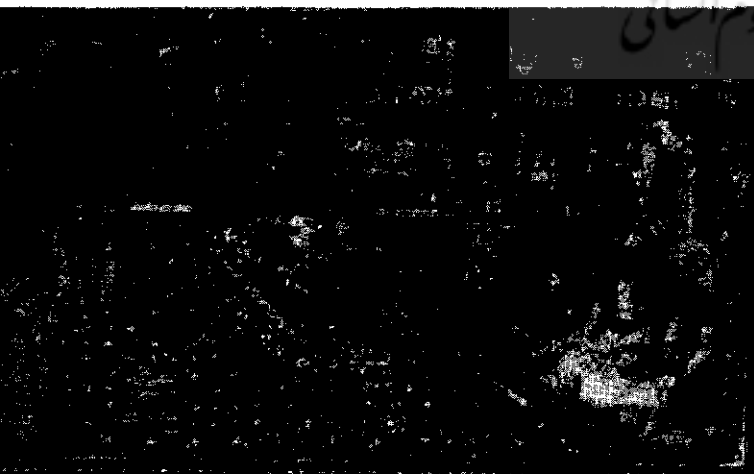
جعبه دیگری از همین نوع احتمالاً کار همین هنرمند درموزه هنرهای تریینی موجود است که باز در سطح خارجی آن فتحعلیشاه را در حالیکه بر تخت مرصع نشسته است وعده‌ای از شاهزادگان و بزرگان در اطراف تخت او نشسته و ایستاده‌اند نشان میدهد . (شکل ۱۱)

ساختمان و جنس است معمولاً این جعبه‌ها را از چوب یا فلز میسازند. تزیینات جعبه‌های چوبی شامل منبت کاری و خاتم سازی و یا نقاشی رنگ و روغنی است . جعبه‌های فلزی با نقاشی رنگ و روغنی تزیین می‌شود . جعبه‌های رنگ و روغنی را باید زیباترین نوع جعبه‌ها دانست . این نوع جعبه‌ها از چوب ساخته میشود و فاصله بین سطح خارجی و لبه‌های در ، محدب میگردد و بدین وسیله بجعبه فرم زیبایی داده می‌شود. و تمام سطوح داخلی و خارجی ، با تصاویر مختلف نقاشی میگردد . (شکل ۷) تصویر شماره ۷ یکی از این جعبه‌ها را نشان میدهد چنانکه گفته شد تمام سطح خارجی این جعبه نقاشی شده است . در سطح خارجی جعبه تصویر فتحعلیشاه و اطرافیان او



بالا : (شکل ۱۰) قسمت داخلی در جعبه ، منظره شکار شیر

پائین : (شکل ۱۱) روی در جعبه آرایش ، تصویر فتحعلیشاه با شاهزادگان و امرا





بالا : (شکل ۱۲) داخل در جعبه آرایش - منظره شکار فتحعلیشاه

راست : (شکل ۱۳) جعبه آرایش خاتم ، صدف کاری شده - اوایل سده ۱۴ هجری قمری

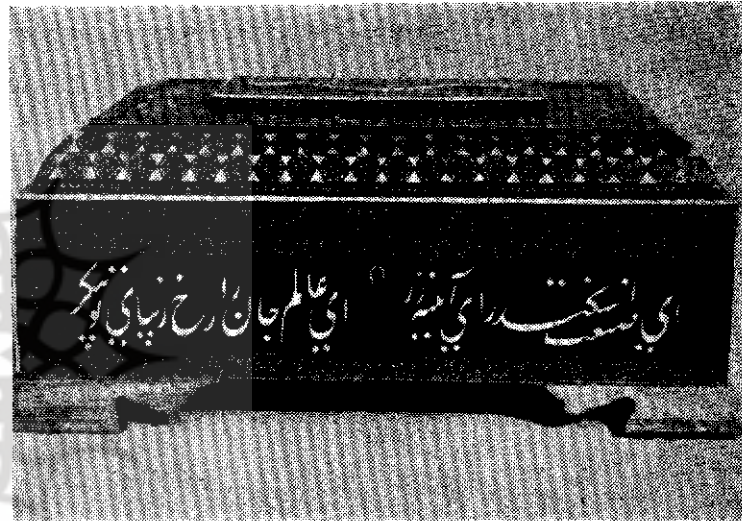
در داخل این جعبه تصویری از شکار فتحعلیشاه کشیده شده است و شاه را در حال شکار نشان میدهد . (شکل ۱۲) در اطراف در و بدنه جعبه مجالسی از شکار شیر و گراز نقش گردیده است .

سومین جعبه آرایش ، جعبه خاتمی است که تمام سطح خارجی آن خاتم کاری و صدف کاری شده است . (شکل ۱۳) در وسط سطح خارجی در جعبه یک ترینج بزرگ ، خاتم کاری شده و در چهار طرف آن دو بیت (چهارنیم بیت) شعر با استخوان در نهایت زیبایی بریده و کار گذاشته شده است (شکل ۱۴) . این جعبه خاتم در شیراز ساخته شده و متعلق با اواخر قرن ۱۳ و یا اوایل قرن ۱۴ هجری است . در اطراف جعبه نیز بهمین ترتیب اشعاری وجود دارد (شکل ۱۵) . مضمون اشعار با مورد مصرف جعبه یعنی « آرایش » تناسب کامل دارد .

آخرین جعبه ای که بمعرفی آن می پردازیم در حقیقت میز آرایش کوچکی است که شباهت کاملی بمیزهای آرایشی که امروزه مورد مصرف است دارد (شکل های ۱۶ و ۱۷) . تمام سطح خارجی این جعبه بازبیبایی خاصی با گل و بوته های برجسته نقاشی شده است .

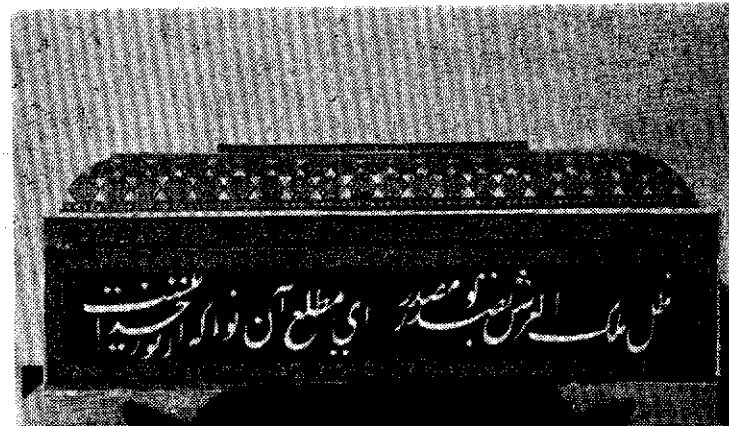
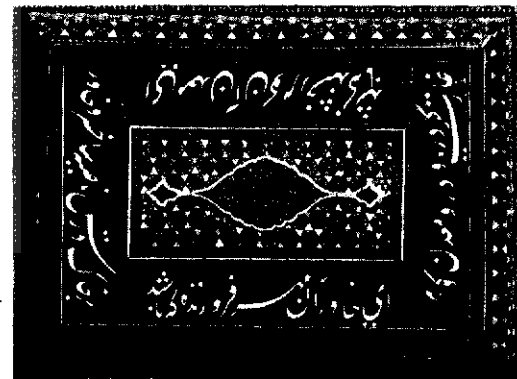
در قسمت بالای جعبه ، آئینه ای در وسط و آئینه های کوچکتری در اطراف آن نصب گردیده .

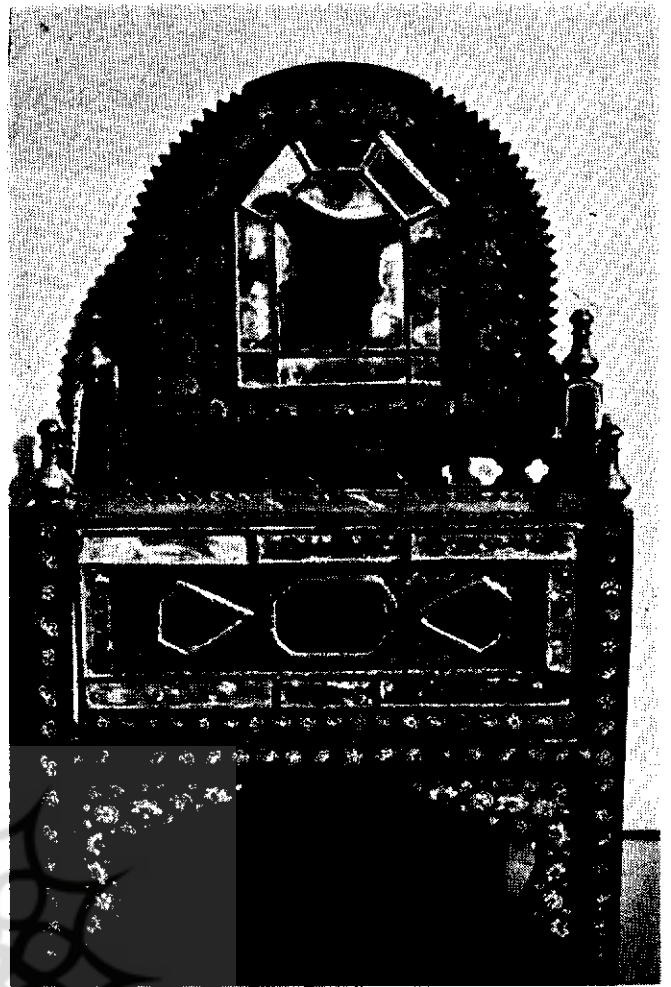
در بدنه جعبه هفت کتو کوچک که محل لوازم آرایش است ساخته شده که درون آنها سرمه دان ، شانه ، سفیداب ، و سمه جوش و غیره می گذاشتند . جلوی این کتوها آئینه دستی دیگری بطور



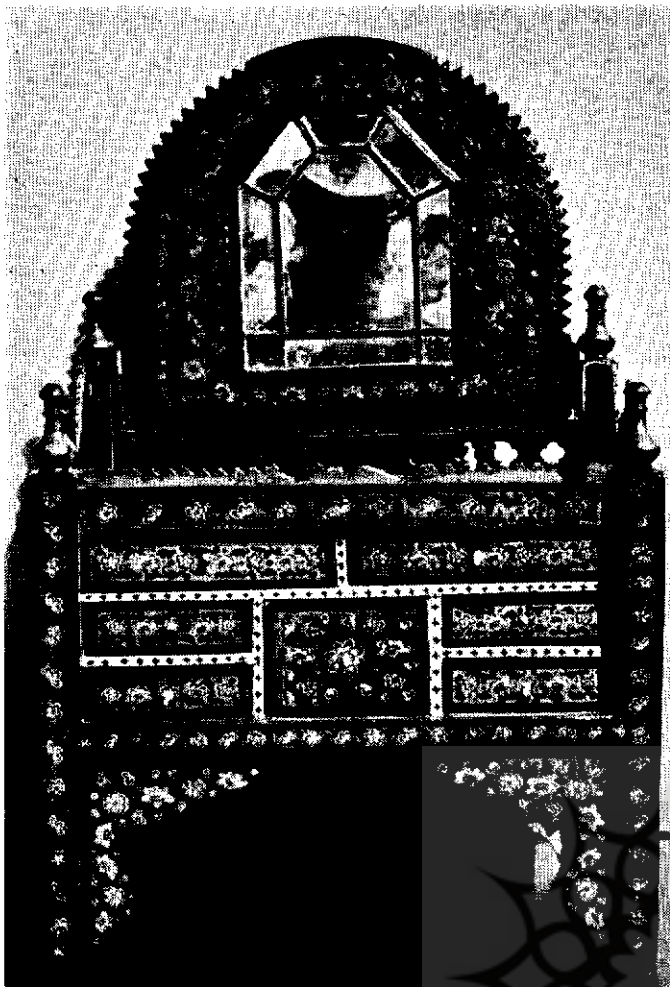
(شکل ۱۴) قسمت خارجی در جعبه خاتم

پائین : (شکل ۱۵) بدنه جعبه آرایش خاتم





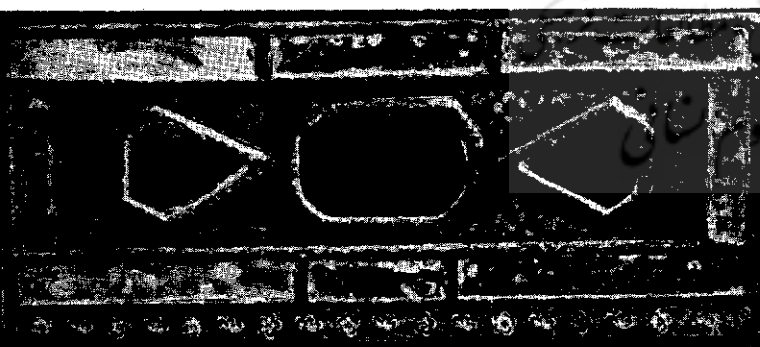
(شکل ۱۶) میز آرایش کوچک رنگ و روغنی - اوایل سده ۱۴ هجری قمری



بالا : (شکل ۱۷) میز آرایش با کشوهای مخصوص لوازم آرایش

پائین : (شکل ۱۸) آینه دستی میز آرایش

کشویی کار گذاشته شده است که خود شامل یازده قطعه آینه کوچک و بزرگ میباشد . از این آینه هنگام آرایش بجای آینه دستی استفاده میشد و پس از آن نیز جلو کشوها و درجای خود قرار گرفته و کشوها را میپوشاند . (شکل ۱۸) تعداد دیگری جعبه های منبت و روغنی در موزه موجود



- ۱ - ای صنعت اسکندر - ای آینه زار  
ای عالم جانرا رخ زیبای تو بیکر  
ای عرش دل آویز که از جسم مصفا  
ظل ملک العرش بصدور تو مصدر  
ای مطلع آن نور که از نور خدا نیست  
خورشید ضمیرش ز ازل مطلع و مظهر  
ای خاور آن مهر فروزنده که باشد  
بر خاک درش ناصیه سا خسرو خاور  
ای معدن آن گوهر رخسند که باشد  
غارگر دریا و در و معدن گوهر .

است که علاقمندان میتوانند از آنها دیدن کنند .  
این مقاله را بهمین جا خاتمه میدهیم و امیدواریم که  
در مقالات بعدی اشیاء دیگری از موزه هنرهای تزیینی بخوانندگان  
عزیز معرفی شود .